

نقش حجاب در حفظ نشاط جنسی

<?xml encoding="UTF-8">

1. غریزه جنسی، قوی ترین غریزه انسانی است که زندگی انسانی را از نظر کمی و کیفی مورد تاثیر و تاثر قرار می دهد. این غریزه در کنار غریزه گرسنگی، بستر ساز فرهنگ های انسانی در طول تاریخ شده و دین با ورود در این بستر، معنا بخش فرهنگ انسانی می شود؛ به همین دلیل در تاریخ ادیان کمتر دینی است که درباره مسئله جنسی سخن نگفته باشد.

2. غریزه جنسی در یک چارچوب، مورد توجه ادیان قرار می گیرد و در چارچوب جهان بینی آن دین، جایگاه مسئله جنسی را با توجه به انسان شناسی خود، و جهان شناسی و اخلاقیات مبتنی بر آن، تشریح و تفسیر می کند که اغلب دائر مدار آن، انسان واسطه ای و متعالی دینی، مثل پیامبران و یا بنیان گزاران دین مثل بودا قرار می گیرد.

3. در غرب مسیحی قرون وسطی که انسان کامل مسیحی محور معرفت شناسی، جهان شناسی، انسان شناسی و سپس جامعه شناسی واقع شده بود، درباره مسئله جنسی، چه از بعد انسان شناسی و چه جامعه شناسی، به همان میزان قضاوت می شد و چون انسان های کامل مسیحی، حضرت مسیح و حضرت مریم و حضرت یحیی (ع)، هر سه ازدواج نکرده، در مسیحیت دوری از عمل جنسی، یک شرط برای انسان کامل شمرده شد و کم کم ترک عمل جنسی به ترک کلی عمل جسمی کشانده می شود و در دوران قرون وسطی، انسان هایی اعم از زن و مرد، دور از شهرها در نقاط دور افتاده جنگل ها و کوه ها و بیابان زندگی می کردند که به دور از لذت های جسمی یک زندگی کاملاً مجردانه داشتند. پس حجاب در همین جهت قلمداد می شد؛ یعنی دوری از لذت های جسمانی بطور کامل.

4. با شروع رنسانس، تفسیری دیگر از انسان کامل ارائه شد که بر فرهنگ جنسی غرب به شدت اثر گذاشت؛ این تفسیر آن بود که چون خدا در جسم انسان (عیسی) تجلی یافته است، پس جسم انسان تقدس می یابد، به همین دلیل سعی در زیباشناسی جسم انسان است و با یک نوع آناتومی جسم انسان و بدست آوردن رگ، پی، ماهیچه، استخوان و ... به ترسیم جسم های زیبا پرداخته شود که این مهم به وسیله «لئوناردو داوینچی» و «میکل آنژ» و «رافائل»، بر روی دیواره های کلیساهای روم و فلورانس انجام می شود. به طوری که جسم های برهنه و بسیار موزون و هماهنگ بر روی دیوارها ترسیم و یا در مجسمه ها تجسم می یابند. شرمگاه اناث حذف و ذکور بسیار کوچک ترسیم می شود تا گفته شود خود جسم مطمحنظر است، نه مسائل جنسی آن، ولی با همین ترسیم انسان برهنه، اولین قدم برهنگی در غرب، توسط نوعی تفسیر از انسان کامل رخ می دهد.

5. دو تفسیر حجابی و برهنگی از انسان کامل در غرب، با همان حالت تضادگونه در غرب ادامه یافت تا تفسیر یهودی دین مسیحیت در قالب پروتستانیزیم اتفاق افتاد و بر تفسیر برهنگی انسان کامل بصورت شدیدتر تاکید شده است و کفه به طرف برهنگی در جامعه غربی سنگینی کرد تا آنکه بر برهنگی انسان به شدت تاکید شد و این زمانی بود که انقلاب صنعتی رخ داد و ماشین به صحنه زندگی انسان ها آمد.

6. این تاکید از سوی فروید صورت گرفت که بر فرهنگ یهودی در باب جنسیت تاکید می کرد و نمونه های آن در نامه های خصوصی او مشاهده می شود. فرهنگ یهودی یکی از جنسی ترین فرهنگ های دینی است که بر رابطه های جنسی محارم مثل دختر و پدر، و پسر، و مادر، و برادر و خواهر با دیده اغماض نگریسته است و آنها را

بی اشکال دانسته است . فروید با فرهنگ یهودی بر فرهنگ جنسی مسیحیت هجوم برد و سعی کرد که بر برهنگی جنسی، چه از نظر بدنی و چه از نظر روحی تاکید کند و ریشه تمامی عقده های انسانی را در حجاب (به معنای عام) خلاصه کند که مانع عمل جنسی، بطور برهنه، در طول زندگی انسانی می شود .

7 . انقلاب صنعتی در غرب و مهاجرت جغرافیایی انسان ها از مکان های کوچک به مکان های بزرگ و تماس های دو جنس در سطوح مختلف کاری، هنجارشکنی جنسی را افزایش داد . حال اگر این را به برهنگی اجباری زنان، به علت کار با دستگاه های خطرناک و کشانده شدن زنان به درون دستگاه، توسط لباس های زنانه اضافه کنیم، به خوبی برهنگی زنان در محیط کار ترسیم می کند . تاثیر صنعت تا جایی رسید که همسران، چه زن و چه مرد، به روابط جنسی فراتر از ازدواج روی آوردند و این روابط جنسی خارج از عرف و قانون موجب شد که برهنگی زنان در قالب فحشا و فاحشه های برهنه افزایش یابد (رابطه صنعت و برهنگی در دائرة المعارف غرب مثل بریتانیکا آمده است) .

8 . ورود ماشین به زندگی عمومی انسان ها در غرب، برهنگی را افزایش داد، چرا که ماشین ها انسان ها را از خانه و خانواده جدا می کرد و حتی ماشین به عنوان جایگزین خانه مطرح شد و خانه های متحرک در ماشین ترسیم شدند . پس ماشین رقیب خانه و انسان های ماشین دار رقیب خانواده شدند . پس روابط جنسی غیر معمول و غیر عادی رواج یافت و روابط جنسی غیر معمول، برهنگی را بیشتر رواج داد؛ مثل نقاشی های برهنه جنسی و تشویق برای برهنگی (فیلم تایتانیک و شکسپیر عاشق به خوبی این مسئله را نشان می دهد) .

9 . ماشین و محیط کار صنعتی و نظریه مبتنی بر فرهنگ یهودی جنسی فروید، سه عاملی بودند که انقلاب جنسی در غرب را به وجود آوردند . و غرب را از دوران ملکه ویکتوریا به دوران برهنگی وارد کرد و بر همین اساس، گروه هایی به وجود آمدند که سخت بر برهنگی جمعی تاکید کرده و برهنگی را نیز معیار گروهی قرار دادند، این گروه ها هپپی ها، پانک ها، رپ ها و ... بودند و سبب رواج برهنگی شدیدتر شدند که امروزه به *Nake* یا برهنه های مادرزاد مشهور شده اند .

10 . بنابراین، در غرب اگر حجاب مطرح شده است، یعنی دوری شدید از عمل جنسی و غریزه جنسی (چه زن و مرد) و اگر برهنگی مطرح شده است، یعنی آزادی عمل جنسی و رفتن در آن . پس حجاب در غرب، نقطه مقابل انسان و غریزه قرار گرفته است، بطوری که اگر کسی حجاب داشته باشد، علیه انسانیت خود قدم برداشته است و بی حجابی، یعنی برگشت و بازگشت به خویشتن خویش .

11 . ولی این برهنگی به جای بازگشت به خویشتن انسانی، موجب شد که انسان ها از خودشان بیشتر دورتر شوند، اول آنکه برهنگی وسیله ای شد که بدن انسانی طعمه مطامع اقتصادی شود . بدن فروشی، به صورت فحشا و به صورت مانکن تبلیغاتی کالا و به صورت بازیگران فوتبال و ورزش های دیگر و به صورت هنرمندان سینمایی و تلویزیونی و ... معمول شد؛ یعنی به جای کرامت انسانی، ذلت و رذالت انسانی نصیب او گردید .

12 . انسان های معمولی ای که برهنه شدند نیز به عنوان محل مصرف مد و «ابزارهای اقتصادگردان سرمایه داری» در مصرف تعیین شدند و از لباس زیر تا لباس رو، همه تابع مد روز واقع شدند (لباس گشاد یا لباس تنگ و یا ترکیبی از آن دو و ...)؛ در نتیجه مد به عنوان تنوع طلبی مطرح شد، ولی در واقع سبب غفلت زایی مداوم از خود و هم نوع خود و جهان اطراف گردید؛ بنابراین برهنگی عمومی، از خودبیگانگی عمومی را برای انسان غربی به ارمغان آورد .

13 . برهنگی در غرب، بی رغبتی جنسی را برای غربی به ارمغان آورد، چرا که برهنگی سبب تحریک اولیه انسان به

طرف عمل جنسی در سنین اولیه بلوغ می شود، ولی در نهایت به سرد مزاجی جنسی تبدیل می شود، چرا که اسراف جنسی در دوران بلوغ، به بی رغبتی جنسی در سنین بالاتر منتهی می شود، مگر آنکه کالاهای رغبت افزای جنسی به میدان بیاید، مثل الکل و یا قرص های نشاط آور جنسی که باز در دراز مدت سبب بی رغبتی جنسی بیشتر خواهد بود و چون غریزه جنسی که نشاط آور زندگی است، به رکود کشانده شود، بنیاد خانواده رو به سستی می رود و فحشا جای آن را پر می کند و افسردگی فردی بر افراد حاکم می شود که به عنوان طاعون عصر غرب مطرح شده است؛ پس برهنگی بر افسردگی جنسی غرب، و رکود روحی و روانی افراد افزوده است .

14 . حجاب در اسلام برای حفظ نشاط جنسی است، چون حجاب تخیل جنسی را تحریک می کند و سبب می شود که مسئله جنسی معنادار شود و دچار بی معنایی نگردد (مثل برهنگی) و چون اسلام بر طبیعت جنسی سخت تاکید دارد و انسان کامل خود را نه فقط در معنویت انسان کامل، بلکه در مسائل دنیوی و جنسی او می داند (چون نکاح و عمل جنسی از سنت انسان کامل در اسلام می باشد و هر کس از این سنت روی بر می گرداند، از او نیست) . پس انسان کامل در اسلام الگوی جامع و کامل انسان در دنیا و آخرت و از جمله مسئله جنسی است که باید مورد تقلید قرار گیرد .

پس حجاب یک فرهنگ جنسی است که سبب گرم واقع شدن غریزه جنسی در سطح یک جامعه و هدایت ارضای آن در قالب خانواده می شود به همین دلیل امروزه شرق به علت محور قرار دادن ارضای جنسی و حجاب، جنسی تر از غرب قرار داده شده است و تاریخ شرق و غرب نیز مؤید مسئله است و شاید به همین دلیل است که عرفان شرقی در هند و عالم اسلام به زبان جنسی بیان می شود؛ مثل شعر حافظ و ابن عربی که فص محمدیه را فص نکاحیه و جنسی نامیده است؛ به همین دلیل است که معنویت از جنسیت جدا نیست و حجاب علاوه بر حفظ کرامت انسانی، سبب رشد انگیزه جنسی در جامعه و نیز رشد نشاط جامعه اسلامی می شود، بدون آنکه به سستی و لهو و لعب دچار شود .